

آنچه در تعریف اپرا آمده آمیزه‌ای از موسیقی و نمایش است که قطعات توسط خواننده اجرا می‌شود و هنرمندی چون بهروز غریب پور توانست اتفاق بزرگی در به اجرا در آوردن این هنر داشته باشد و آن حضور عروسک‌های چوبی به جای بازیگران است، ایده‌ای که بسیار مورد استقبال قرار گرفت و حتی در خارج از ایران هم بسیار خوب دیده شد. این کارگردان تئاتر و سینمای ایران باور است که مسئولان حمایت چندانی از اجرای این هنر نمی‌کنند و آنچه تا به امروز انجام گرفته فقط از باب وظیفه ملی است که خود نسبت به آن متعهد بوده است تا در کنار معرفی هنر از زشمند موسیقی، اشعرا شعرا ن بزرگ ایران زمین نیز به نوعی دیگر شنیدنی تر شوند. بهروز غریب پور ایده‌های دیگری هم در ساخت اپرا دارد و آرزویش این است که روزی بتواند اپرای لیلی و مجنون را به زبان فارسی در کشورش اجرا کند. او در حال حاضر مشغول ساخت اپرای «همای و همایون» است، در خصوص ساخت این اثر، گفت‌وگویی انجام داده ایم که در ادامه می‌خوانید.

■ **طی چند روز گذشته ویدیو هایی در فضای مجازی منتشر شده بود مبنی بر ساخت موسیقی اپرای «همای و همایون»، در این خصوص توضیح بفرمایید.**

همانطور که اطلاع دارید بخش موسیقی این اپرا به سرانجام رسیده است، البته برای بخش ساخت عروسک‌ها و دکور اجرا در انتظار تأمین منابع مالی مورد نیاز هستیم. حدوداً سه سال گذشته پروژه ساخت اپرای «همای و همایون» بنا به خواست استاندارد کرمان و بنیاد فرهنگی و هنری رودکی آغاز شد، اما طی این مدت زمان فراز و فرودهای بسیاری به‌وجود آمد، مانند آنچه در سرنوشت زندگی خواجوی کرمانی رقم خورده بود؛ فراز و نشیب‌ها نامایلماتی که این شاعر و عارف بزرگ در روزگار خود تجربه کرد. این پروژه از سوی استاندارد، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، شهرداری و دیگر مسئولان کرمان پیشنهاد شده بود و متقاضی ساخت آن بودند و بر این اساس سفری به کرمان داشتم و مذاکرات اولیه هم انجام گرفت اما تغییرات مدیریتی در برخی از بخش‌های نام برده یا به فراموشی سپردن آن آرزوی مسئولان مربوطه، موجب شد متأسفانه این پروژه مهم نیمه تمام باقی ماند و سرانجام به مرکز کرمان شناسی ارجاع داده شد، اما این مرکز هم به‌عنوان چهارمین نهادی که واید توجه بیشتری به این شاعر بزرگ داشته باشد، با وجود تماس‌های مکرر بنده و بنیاد فرهنگی و هنری رودکی تا به امروز در خصوص سرمایه‌گذاری روی این پروژه نتیجه‌ای حاصل نشده است. با این تفسیر به درخواست مهدی افضلی مدیریت بنیاد فرهنگی و هنری رودکی تصمیم بر آن شد بخش‌هایی از این کار تولید شود و بر اساس بودجه فراهم شده، بخش موسیقی اپرا در ارواکرین ساخته شد و خوانندگان چون سالار عقیلی، حسین علیشاپور و دیگر دوستان عزیز کمک بسیاری در به اتمام رسیدن این کار داشتند و در حال حاضر در مرحله میکس نهایی قطعات هستیم. فراموش نشود این عدم حمایت‌ها کوچک‌ترین نقضی در کیفیت کار ایجاد نکرده و آقای بهزاد عیدی که آهنگسازی این اپرا را بر عهده دارند در انجام این کار تلاش و دقت نظرسبایری داشتند و اثر فوق العاده بی نظیر و ارز شمدنی ساخته‌اند که به عقیده من بهترین کار این آهنگساز است. سعی من نیز بر این است با وجود بی حمایتی‌ها و منعقد نشدن قرارداد، به‌عنوان یک وظیفه این کار را انجام بدهم تا گشایشی در این کار ایجاد شود.

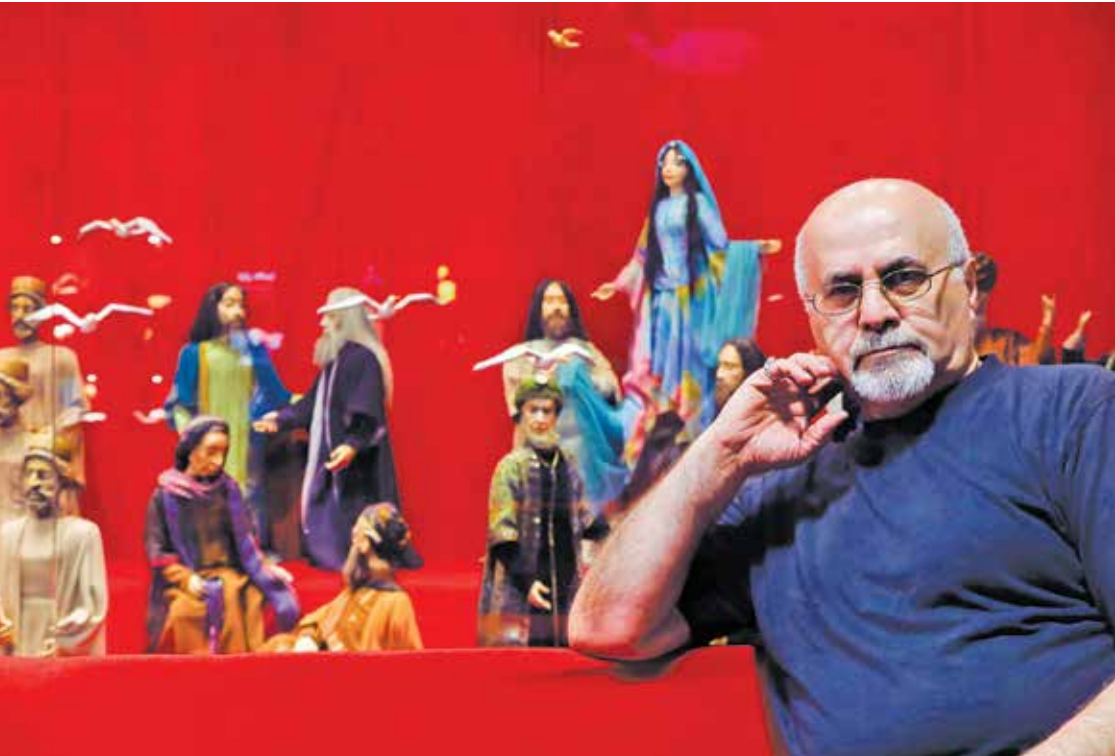
■ **باتوجه به صحبت‌های شما مسئولان شهر کرمان تا به این‌بوده کمکی در به انجام رساندن این پروژه نداشته‌اند و این‌بوده تنها آرزوی بنیاد رودکی اختصاص پیدا کرده؟**

طبق صحبت‌های انجام گرفته قرار بر این بود در شهر کرمان تماشاخانه‌ای ثابت برای اپرای عروسکی دایر کنیم و با اجرای اپرای «همای و همایون» افتتاح شود. چرا که همان‌طور که می‌دانید کرمان یکی از شهرهای توریستی ایران است اما متأسفانه در پذیرایی از توریست‌ها دچار فقر هستیم. این دوستان در طول روز تنها تماشاگر اماکن باستانی و... هستند اما برای شب برنامه‌های جذاب و هنری در نظر گرفته نشده است بر این اساس پیشنهادهایی در این زمینه داشتم که به سبب انجام نرسید. در خصوص شهر شیراز هم به همین منوال بود طبق صحبت با مسئولان استانی قرار بود متأسفانه این دائمی در این شهر راه اندازی کنیم اما به دلیل عدم حمایت مسئولان با شکست مواجه شدیم. همچنین تصمیم بر این بود اپرای در کردستان تولید شود و سفری به کردستان عراق داشته باشیم و یک پایگاه در شهر سنندج دایر شود اما در هیچ یک از شهرهای ایران نام برده شده این اتفاقات انجام نگرفت.

■ **اگر اشتباه نکنم اپرای «همای و همایون» سومین همکاری شما با آقای بهزاد عیدی است و آخرین همکاری مربوط به ۸ سال پیش وساخت اپرای «حافظ» است. در خصوص انتخاب آهنگساز اثر بگوئید؟**

بله، بعد از اپرای «حافظ» همکاری دیگری با آقای بهزاد عیدی نداشتم و در این مدت زمان با آقایان امیر بهزاد، شورا کریمی و امیر پورخلجی کارهایی ساخته شد اما دلیل دوباره این انتخاب، اعتماد در ساخت و همکاری کارهایی چون اپرای «عاشورا» یا «حافظ» است و این پیشنهاد را مطرح کردم و از نتیجه کار بی‌نیایت رضایت دارم و امیدوارم روزی این اپرا روی صحنه بیاید و شنیده و دیده شود و در خصوص گفته هایم اغراق نکرده باشم.

■ **ضبط این کار در ارواکرین انجام شده، باتوجه به شرایط**



بهروز غریب پور، کارگردان سینما و تئاتر در گفت‌وگو با «ایران» از اپرای «همای و همایون» می‌گوید

روزگار ناهمایون اپرای ایران

«برای آموزش یک خواننده اپرا حداقل ۱۲ سال زمان نیاز است اما متأسفانه هر کسی که از گرد راه می‌رسد خود را خواننده معرفی می‌کند و این موسیقی ما را به ورطه خطرناک می‌برد. بهترین استعداد های ما در زمینه آواز ایرانی جذب موسیقی پاپ شده‌اند و این بدان معنا است که دلسوزی برای نجات این موسیقی وجود ندارد این هنرمندان سرمایه‌هایی هستند که به هدر می‌روند، خوانندگانی که می‌خواهند از نظر شهرت و مکتب یک شبه ره صدساله را طی کنند»

یک خواننده باید با واژه «آواگر» آشنا باشد یعنی آواز و بازیگری را به‌عنوان دو عنصر یکپارچه استفاده کند. فراموش نکنیم خوانندگی در اپرا یک داستان کاملاً جداگانه از خوانندگی به شیوه مرسوم ماست.

■ **باتوجه به محدودیت‌های موجود در اجرای اصولی اپرا، آیا در نظر دارید مکتب اپرا را راه‌اندازی کنید تا همین‌مقدار آموزش‌های لازم تدریس عمومی شود؟**

با بررسی کارهایی که در اپرا ساخته‌ام خواهید دید بیش از ۲۰۰ استعداد ناب در بخش موسیقی و بازیگری کشف شده‌اند و از این طریق فرصتی برای روی صحنه آمدن پیدا کرده‌اند. به‌عنوان مثال مهرداد ناصحی نوازنده کمانچه در اپرای سعدی نقش قرقون را ایفا کرده یا شاهو عندهلیبی نوازنده چیره دست‌نی در اپرای خیام به‌عنوان خواننده حضور دارد و... توان من در همین حد است و حمایتی نمی‌شوم. من بنیانگذار ارکستر سمفونیک فرهنگسرای بهمن هستم و باتوجه به این پیشینه کاری باید از من دعوت کنند تا مدرسه تربیت خواننده اپرا را راه‌اندازی کنم. اگر ارکستر ملی را در اختیار من بگذارند برای پیشرفت ارکستر و اجرای چنین برنامه‌هایی آزمون برگزار می‌کنم و برای آینده خواننده تربیت خواهم کرد. لازم به ذکر است آموزش یک خواننده اپرا حداقل ۱۲ سال زمان نیاز است اما متأسفانه هر کسی که از گرد راه می‌رسد خود را خواننده معرفی می‌کند و موسیقی ما را به ورطه خطرناک می‌برد. بهترین استعداد های ما در زمینه آواز ایرانی جذب موسیقی پاپ شده‌اند و این بدان معنا است که دلسوزی برای نجات این موسیقی وجود ندارد این هنرمندان سرمایه‌هایی است که به هدر می‌رود، خوانندگانی که می‌خواهند از نظر شهرت و مکتب یک شبه ره صدساله را طی کنند. من سه سال است روی این پروژه کار می‌کنم بدون آنکه قراردادی منعقد شده باشد اما اگر از یک خواننده درخواست همکاری داشته باشیم صحبت نخست هزینه انجام کار است و اگر مانند سایر بانک موجودی نباشد بدون رودریاستی این همکاری را انجام نخواهند داد. بنابراین به اعتقاد من تربیت نیروی موسیقی با عم از نوازنده و خواننده ما به بیراهه رفته است و اکثریت این هنرمندان را مغرور و سرمست نخوت کرده و این موضوع موجب شده بهترین

به‌هیچ‌وجه مسأله چهره برای من در اولویت نیست. به‌عنوان مثال در اپرای عشق از حضور آقای داوود آزاد بهره بردیم، هنرمندی فوق‌العاده مستعد در نوازندگی و خوانندگی که البته به آواز خوانی شهره نیستند بلکه اغلب کارهایشان ترانه خوانی است اما انتخاب ایشان به دلیل تطبیق صدایشان با کاراکتر شیخ صنعان بود. بنابراین در انتخاب کاراکترهایم به ویژگی صدا بسیار توجه دارم چرا که از خواننده آنچه باقی می‌ماند صدا است و در اجرای مایس از انجام ضبط اصلی خواننده کنار می‌رود و این صدا است که پلی یک می‌شود. نکته بعدی این است که با وجود اینکه خواننده‌های قدر و مستعدی انتخاب می‌شوند اما با توجه به پتانسیل این دوستان می‌بایست به‌صورت کوتاه یا طولانی مدت تمریناتی انجام شود تا بازیگری کنند به این دلیل که متأسفانه مکتب خانه‌ای برای آموزش اپرا نداریم و من به شخصه تمامی این کارها را انجام می‌دهم. خواننده و آهنگساز دارای استعداد و توانمندی‌هایی هستند اما در خصوص کاری که برای آن انتخاب شده‌اند باید توجهی شوند که چه اثری را خلق کنند. بنابراین اگرچه چهره نقش مهمی خواهد داشت اما این موضوع اصلاً و ابدا مدنظر نیست. به‌نگاه به بروشورهای کارهای من مدت زمان انجام این کار به دلیل شرایط سخت موجود، داشتم یک زمان هیچ‌نام و نشانی از این هنرمندان مستعد نبود و در واقع باید بگویم در تربیت خوانندگی اپرا سرمایه‌گذاری معنوی انجام داده‌ام.

بنابراین من در درجه نخست کیفیت صدا را مدنظر قرار می‌دهم و بعد استعداد آن خواننده و مهم تر از نخوت کرده و این موضوع موجب شده بهترین

من هم همکاری داشته‌اند. البته در این کار بیش از ۱۷ خواننده شرکت دارند و دوستان خوبی از شیراز در بخش گروه کر و کرال حضور دارند. در مورد انتخاب آقای سالار عقیلی هم باید بگویم تصمیم من این بود از همه صاحب‌نامان آواز ایرانی همچون همایون شجریان، محمد معتمدی، علیرضا قربانی و... استفاده کنم و خوشبختانه این همکاری‌ها شکل گرفت. سالیان قبل قرار بود همکاری با سالار عقیلی داشته باشیم اما ایشان گرایش و نگاهی را که من به‌دنبال آن بودم، نداشتند و مدت‌ها بعد یاسطت آقای افضلی مدیریت‌بنیاد فرهنگی و هنری رودکی ملاقاتی صورت گرفت و بر خود بسیار صمیمانه انجام شد و حاصل این همکاری کار بسیار فوق‌العاده‌ای است که تولید شده است. آقای عقیلی در نقش بسیار دشواری حضور دارند و به زیبایی و خوبی از عهد آن برآمده است، نقشی که شبیه هیچ کدام از کارهای من مانند حافظ، خیام، سعدی و... نبوده است. نکته دیگر اینکه بعد مدت‌ها سومین همکاری من با آقای حسین علیشاپور است و بیش از این در اپرهای حافظ و مولوی همکاری داشتیم و در این اپرا نقش فرزان را بر عهده دارد که بسیار رضایتبخش است. البته دوستان دیگری هم در این کار زحمت کشیدند و در تمام مدت زمان انجام این کار به دلیل شرایط سخت موجود، واهمه داشتم بار دیگر دچار کرونا نشوم و برای آهنگساز و خواننده‌ها مشکلی به‌وجود نیاید اما با این حال به‌طور مستمر کارایش بردیم و نتیجه خوبی داشت.

■ **انتخاب خواننده برای اجرای اپرا مشخصه خاصی دارد یا آنکه همان‌طور که اشاره کردید حضور چهره‌های آوازی**

مورد نظر شما بوده است؟

ارائه تصویر کلام



حسین علیشاپور خواننده موسیقی ایرانی

بعد از اپرای مولوی که در آن نقش سلطان‌العلماء (پدر مولانا) و همچنین اپرای حافظ که نقش عبید را بازیگر - خواننده بودم، اپرای همای و همایون سومین همکاری مشترک من با آقایان بهروز غریب پور و بهزاد عیدی است، در حقیقت تاکنون همکاری‌های مشترک غریب پور و عیدی شامل چهار اپرا

بوده‌اند که اپرای عاشور هم یکی از آنها بوده و من در آن حضور نداشته‌ام. به‌طور کلی در اپرا و خصوصاً به روشی که آقای غریب پور کار می‌کنند و آن استفاده از عروسک‌ها به جای بازیگر - خواننده است، خواننده باید بتواند کاراکتری را متفاوت از آن چه به‌عنوان یک خواننده صرف دارد از خود بی‌سازد و این امر، مستلزم شناخت و همچنین داشتن شم استفاده از صدا به‌عنوان شخصی غیر از خود است. این کار مسلماً کار آسانی نیست و مستلزم تجربه و تبحر در به کارگیری ذهن، تطبیق آن با شخصیت اثر و رسانیدن ذهنیت به اجرا است. هر چند شخصاً اعتقاد دارم که مهم‌ترین وظیفه خواننده ارائه تصویر کلام است و زمانی که پای اجرای نقش اپرای هم در میان نباشد،

خواننده باید تصویرسازی شعر را سرلوحه کارش قرار دهد. یکی از دلایلی که موجب اتفاقات آقایان عیدی و غریب پور برای سپردن نقش‌های خاص در آثارشان به من شده نیز، توجه و حساسیت خود من نسبت به این مهم است؛ اگرچه در دو اپرای قبلی و چه در این اپرا غریب پور و عیدی به‌عنوان کارگردان و آهنگ‌ساز اثر، راهنمایی‌های ارزنده‌ای برای پرورش ذهنی نقش‌هایی که بر عهده داشتم ارائه می‌کردند و امیدوارم آنچه در اپرای همای و همایون اجرا کرده‌ام هم مانند آثار مشترک قبلی مورد توجه مردم قرار گیرد. نکته دیگر اینکه اگر قرار باشد اپرا به شکل جهانی و مطابق با استانداردهای خودش ارائه شود، باید در مدتی طولانی خوانندگان برای بازی در صحنه آموزش ببینند و با بازیگرانی که توانایی خوانندگی دارند تحت آموزش موسیقی و آواز قرار بگیرند. منتها چون در کشور ما برای این کار که زمان و هزینه زیادی در بر دارد، حامی و مولوی وجود ندارد، آقای غریب پور که استاد تئاتر است و موسیقی را هم بخوبی می‌شناسد، دست به این ابتکار زده که از عروسک به جای بازیگر - خواننده استفاده کند که باتوجه به شرایط موجود بهترین کار ممکنه است. نکته جالب‌توجه این‌که ابتکار عمل ایشان با اقبال فراوان چه در داخل و چه خارج از کشور مواجه شده است.



سرمایه‌های خود را از دست بدهیم. این درحالی است که استعداد در شهرهای ایران بی‌نظیر است و کارهای خود را به فضای مجازی آورده‌اند اما این استعدادها را فراموش کرده‌ایم و به جای آن توجه به سلبریتی‌های بیشتر شده است اما من به شخصه روی این استعداد های ناب سرمایه‌گذاری خواهم کرد. بار دیگر تأکید می‌کنم اگر اپرای «همای و همایون»، روی صحنه نیاید ما موریت ملی خود را انجام داده‌ام، حتی در خصوص خواجوی کرمانی هم ادای دین خود را به جای آورده‌ام. مسئولان باید از استعداد های هنری کشور حمایت کنند و از نابودی آینده این هنر و هنرمندان هراس داشته باشند. اگر من این کارها را انجام می‌دهم فقط به خاطر عشق بی‌نهایت به خاک ایران و بزرگان کشورم و مردم وطنم است و با تمام این بی‌حرمتی‌ها من در این خاک مانده‌ام و در این خاک خواهم مرد.

■ **گام مهم و مثبت و تأثیرگذاری که در اپرهای شما دیده می‌شده می‌شود، پر داختن به شعر و ادبیات ایران است بویژه اشعار برخی از شاعران بزرگ ایران که کمتر به گوش مخاطب رسیده است. در این باره توضیح دهید؟**

در بخشی از اپرای مولوی گفت‌وگوی شمس و مولوی است که بسیار مورد توجه قرار گرفته و خوب شنیده شده و استقبال کرده‌اند و می‌توانم بگویم اگر همین یک کار را در زندگی ما انجام داده باشم توانستم گام بلندی در ساخت چنین کارهایی بردارم و این همان مخاطب‌سازی برای آواز، شعر، موسیقی و بزرگان ایران است. من توفیق این را داشتمم که اپراهایم خارج از ایران با استقبال خوبی روبه‌رو شوند. مکتب «آران» که به‌وجود آوردم مکتبی ایرانی است و برای اعتلای نام ایران و با همین مکتب توانستم مخاطبان خود را حفظ کنم. دستم‌زد را از همین تشویق‌ها و انسان‌های عاشق و وطن پرست دریافت کرده‌ام و بار دیگر می‌گویم عاشق سرزمین هستم و زندان کشور خودم را به بهشت خارج از ایران ترجیح می‌دهم.

■ **اغلب ساخته‌های شما در اپرا منظومه‌های عاشقانه است، آیا توجهی هم به موضوعات اجتماعی در اپرا خواهید داشت؟**

بله بدون شک. حدوداً ۵ سال پیش اپرای نوشتن با نام «کاوه ناتمام» که موضوع آن نبرد کاوه با ضحاک بود و قرینه‌سازی با کودتای ۲۸ مرداد است و امیر بهزاد آهنگسازی این اثر را بر عهده داشته. امیدوارم روزی بتوانم اپرای مسعود سعد سلمان یا ناصر خسرو را تولید کنم. جالب است بدانید سال‌ها قبل که اپرای حافظ را در دیی به اجرا در آوردم یکی از سرمایه‌گذار آنجابه من پیشنهاد کرد بر اساس زندگی هوشنگ ابتهاج یک اپرا بنویسم و با کمک افتخار این پیشنهاد را قبول کردم اما متأسفانه حامی وجود ندارد و به این گنجینه‌های توحهی نمی‌شود. بزرگانی که هر یک شناسنامه‌های ایرانی هستند

■ **یک کودک‌نم کار در این زمینه ساخته‌اید؟**

یک اپرای موزیکال آماده کرده‌ام به نام «مغزخواریا» بر اساس لوبیای سحر آمیز اما تا به امروز کلون پرورش فکری کودک‌نم و نوجوانان هیچ پیشنهادی در جهت حمایت از این اثر نداشته است.

■ **یکی از اپرهای ماندگاری در زائر کودک «مانی و مانا» ساخته زنده یاد حسین دهلوی است آیا تمایل دارید این کار را اجرا کنید؟**

از نگاه من اپرای «مانی و مانا» اثر ماندگار نیست. سال‌ها قبل با استاد دهلوی دیداری داشتم و به سبب احترام فوق‌العاده‌ای که برای ایشان قائل بودم حاضر شدم این اپرا روی صحنه ببرم. آقای دهلوی متن کار را ارائه کردند تا نگاهی به آن داشته باشم اما درک استاد دهلوی از کودک‌نم درک درستی نبود، معتقدم که محتوای یک اثر حتی برای کودکان باغی نباشد و آیتندسازی کند و تنها صرف کلمات کودک‌نم نیست. بعد از مطالعه متن به ایشان گفتم متأسفانه پیش از آنکه اثر را ببینم موسیقی آن را به آقای علی رهبری سفارش داده‌اید و در واقع با یک اثر ضبط شده روبه‌رو هستیم. استاد این اجازه را دادند تغییراتی در کار داشته باشم و من ماه‌ها روی این متن کار کردم و متوجه شدم متن آنقدر ضعیف است که نمی‌توان روی آن کار کرد و آقای دهلوی از من رنجیدند که نمی‌خواهم کاری انجام بدهم به ایشان گفتم استاد عزیزم شما متنی را برای کودک‌نم نوشته‌اید که پیاپی برای آیتدگان نثار. از دیدگاه من اپرای کودک‌نم همین اثر مغزخواریا است که مدیر آینده تدبیر کنند. نام این اثر دین جهت انتخاب شده که لوبیای سحر آمیز انسان را به مفت خوری تشویق می‌کند. مایاید متنی را انتخاب کنیم و بنویسم که برای آیتدگان قابلیت داشته باشد و بماند بنابراین من از انجام این کار صرف نظر کردم. جالب است برخی از دوستان می‌گویند به دلیل صدای زن این اپرا اجرا شده درحالی که من چندین کار ساخته‌ام که صدای زن هم بوده که البته با عروسک اجرا شده‌اند و اسراف می‌هم در این کار نبوده و به حد معقول از صدای زن بهره برده‌ام. بنابراین، این توجه برای اپرای مانی و مانا قابل قبول نیست البته به شخصه بسیار علاقه‌مند بودم از استاد دهلوی کاری روی صحنه ببرم اما متأسفانه نشد.

